بسیج یک شهر برای برآورده کردن یک آرزو

پاسداشت مهربانی

یوسف حیدری
گزارش نویس

سجاد با زبان شیرین خود دستور عملیات را پشت بی‌سیم اعلام می‌کند. گروهی از مأموران یگان ویژه سوار بر موتور به استقبال او می‌آیند تا از نزدیک عملیات را نظاره کنند. سجاد با خوشحالی سوار می‌شود و بعد از سان دیدن از نیروها و بازدید امکانات در عملیات شرکت می‌کند و به همه سلام نظامی می‌دهد. نیروهای یگان منتظر فرمان جدید او می‌شوند. سجاد هنوز هم باور نمی‌کند آرزواش برآورده شده است. سرهنگ امیرزاده رئیس مرکز اطلاع‌رسانی مازندران از تصمیم مأموران یگان ویژه ساری برای خوشحال کردن سجاد اینگونه می‌گوید: «یکی از همکاران هم محله‌ای سجاد است. این پسر سندروم داون دارد.

آرزو داشت لباس پلیس به تن کند. در کوچه و خیابان هر باری که یکی از مأموران پلیس را می‌دید با دست احترام نظامی می‌گذاشت. پدر سجاد اولین شهید آتش‌نشان ساری در جنگ تحمیلی است. می‌خواستیم این برنامه را روز آتش‌نشان برگزار کنیم اما قرار شد هفته ناجا سجاد با پوشیدن لباس پلیس برای چند ساعت فرمانده یگان ویژه شود. وقتی لباس سبز پلیس و درجه‌های سروانی را به او دادیم با خوشحالی آنها را به تن کرد. البته راضی کردن او کمی سخت بود اما سرانجام همراه مأموران به مقر یگان ویژه آمد. همه نیروها با احترام نظامی از او استقبال کردند. بعد از دیدن سان پشت میز فرمانده نشست و با بی‌سیم به نیروها دستور عملیات داد. لحظات خوبی بود. همه خوشحال بودند و مهربانی پلیس در کنار اقتدار برای همیشه در دل سجاد و بچه‌هایی که شاهد این لحظه‌ها بودند نقش بست.»

تنها تصویری که سجاد از پدر به یاد دارد عکس‌های او در لباس آتش‌نشانی است. همه محل، سجاد را می‌شناسند. پسر مهربانی که با سندروم داون همه عمر آرزو داشته پلیس شود. سجاد البته بالاخره به آرزواش رسید.

چند سالی است برآورده کردن آرزوی کودکان به فرهنگ مهربانی در میان برخی از ارگان‌ها تبدیل شده است. جایی که پلیس در کنار اقتدار آرزوی پسر سندروم داون و یا کودکان مبتلا به سرطان را برآورده می‌کند یا آتش‌نشان‌هایی که دست به دست هم می‌دهند تا آرزوی کودک بیماری را که می‌خواهد آتش‌نشان شود و در عملیات اطفای حریق حضور داشته باشد برآورده کنند، خلبانی که آرزوی کودکان بیماری را که شوق پرواز دارند همراه خود به آسمان‌ها می‌برد و... اینها گوشه‌ای از مهربانی کسانی است که می‌خواهند امید را در دل این کودکان زنده نگاه دارند و خودشان هم حال خوبی را تجربه کنند.

عباس با تن ضعیف از بیمارستان به فرماندهی انتظامی اهواز منتقل شد. خبر نداشت چه برنامه‌ای برای او تدارک دیده‌اند. از کودکی دوست داشت فرمانده پلیس باشد و سارقان را دستگیر کند. عباس چند هفته بعد برای همیشه رفت ولی تا آخرین لحظه از مهربانی پلیس و مردمی که برای برآورده کردن آرزواش سنگ تمام گذاشتند صحبت می‌کرد.

هدی رشیدی سال‌هاست با گروهی از جوانان اهوازی برای برآورده کردن آرزوی کودکان سرطانی تلاش می‌کند. بهترین لحظات زندگی او برآورده شدن آرزو و لبخند این کودکان است. می‌گوید وقتی قرار باشد آرزوی کودکی را برآورده کنیم انسان‌های مهربانی داوطلب می‌شوند. مهربانی در وجودشان موج می‌زند و منتظر فرصتی هستند تا آن را جاری کنند.

عباس یکی از کودکان مبتلا به سرطان بود که آرزو داشت فرمانده پلیس باشد و دزدها را دستگیر کند. وقتی موضوع را با فرماندهی انتظامی اهواز در میان گذاشتم باور نمی‌کردم یک روزه همه چیز هماهنگ شود. صبح روز بعد جاده ساحلی شرقی گروه مارش نظامی همراه با چند خودرو پلیس و تعدادی از مأموران کلانتری ۱۳ اهواز قرق شده بود. یک ساعت بعد عباس درحالی که آنژیوکت به دست داشت به کلانتری ۱۳ اهواز منتقل شد و لباس فرماندهی پلیس را به تن کرد. با تعجب به همه نگاه می‌کرد. تعدادی از بچه‌های گروه ما نقش سارق را بازی کردند. عباس بعد از سان دیدن همراه مأموران یگان ویژه در عملیات تعقیب و گریز و دستگیری سارقان شرکت کرد. باور می‌کنید یک شهر بسیج شدند تا عباس به آرزواش برسد؟ مردمی که از موضوع اطلاع نداشتند با شنیدن صدای تیراندازی و تعقیب و گریز پلیس علت حضور یگان ویژه را می‌پرسیدند و باور نمی‌کردند همه این عملیات برای شاد کردن دل کودک ۱۳ساله باشد. چند ساعت بعد وقتی عباس برای ادامه شیمی درمانی به بیمارستان برگشت با شوق فراوان همه آن لحظات را برای پرستارها و پزشکان بیمارستان تعریف می‌کرد. تا یک هفته با همان لباس نظامی می‌خوابید و به همه می‌گفت من رئیس پلیس هستم. عباس چند ماه بعد پرکشید ولی هیچ وقت آن روز را فراموش نکرد.»

هدی رشیدی از عملیات مشترک نیروهای سپاه، ارتش و نیروی انتظامی برای برآورده کردن آرزوی ۴ کودک می‌گوید: «دو نفر از این بچه‌ها آرزو داشتند نیروی نوپو پلیس باشند. حسین هم آرزو داشت تک تیرانداز باشد و یکی دیگر از بچه‌ها می‌خواست لباس سرهنگی به تن کند.

وقتی موضوع را با مسئولان سپاه و ارتش و نیروی انتظامی درمیان گذاشتم استقبال کردند و روز عملیات با تعداد زیادی ادوات نظامی آمدند. دو نفر از بچه‌ها لباس نوپو به تن کردند و حسین هم روی پشت بام اسلحه دوربین دار به دست گرفت. لحظه‌ای فراموش نشدنی بود؛ یک جنگ واقعی که خیلی از مردم برای تماشا آمده بودند. حسین که تا قبل از آن با هیچ کسی حرف نمی‌زد تا یک هفته همه ماجراهای آن روز را برای پدر و اطرافیان تعریف می‌کرد و خیلی خوشحال بود که به آرزواش رسیده است. ماجرای آرزوی خلبانی ۴ کودک مبتلا به سرطان هم جالب بود.

یکی از آنها فاطمه بود که می‌خواست خلبان شود. یکی از مربیان خلبانی در کرج وقتی از موضوع مطلع شد اعلام کرد آرزوی فاطمه را برآورده می‌کند.

فاطمه را به تهران آوردیم و کنار مربی با هواپیمای آموزشی پرواز کرد. چشمانش از خوشحالی برق می‌زد. فاطمه با روحیه بالا توانست سرطان را شکست دهد و به زندگی برگردد. محسن کودک ۱۲ ساله اهوازی هم آرزو داشت آتش‌نشان باشد و آتش‌نشانان مهربان ایستگاه گلستان او را به آرزواش رساندند.

محسن لباس آتش‌نشانی به تن کرد و برای اینکه خوشحال شود یک آتش‌سوزی واقعی هم در جاده ساحلی کیانپارس به راه انداختند. محسن با هدایت یک تیم از آتش‌نشانان توانستند آتش را مهار کنند.»

باور کنید مهربانی کردن در زندگی خود ما و اطرافیان تأثیر مثبت زیادی دارد. همین مهربانی پلیس و نیروهای نظامی در کنار آتش‌نشانان و خلبانان برای برآورده کردن آرزوی کودکان مبتلا به سرطان مسیر زندگی آنها را تغییر می‌دهد. جالب اینکه همین بچه‌ها تا قبل از این از مرگ می‌ترسیدند و با خیال مرگ دست و پنجه نرم می‌کردند ولی الان می‌گویند باید از زندگی لذت ببریم.

مثبت اندیشی بچه‌ها بالا رفته و این بهترین حس دنیاست. کسانی که مهربانی می‌کنند می‌گویند بهترین حس دنیا مفید بودن است. وقتی یک کار انساندوستانه انجام می‌دهی احساس می‌کنی انسان مفیدی هستی.»

> وقتی موضوع را با فرماندهی انتظامی اهواز در میان گذاشتم باور نمی‌کردم یک روزه همه چیز هماهنگ شود. صبح روز بعد جاده ساحلی شرقی گروه مارش نظامی همراه با چند خودرو پلیس و تعدادی از مأموران کلانتری ۱۳ اهواز قرق شده بود. یک ساعت بعد عباس درحالی که آنژیوکت به دست داشت به کلانتری ۱۳ اهواز منتقل شد و لباس فرماندهی پلیس را به تن کرد

تسنیم

جـــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۷۸۷

آسان

۲	۹	۶	۱	۷	۴		۸	
۱					۳	۷		۹
		۷		۶				
				۳				۶
	۲	۳	۷		۹	۴	۵	
۹				۴				
				۵		۸		
۸		۲	۳					۴
	۴		۶	۸	۷	۲	۹	۵

متوسط

		۴	۳			۱	۶	۸
۳						۵		
	۷			۵			۴	
۷	۹			۸				۶
			۶		۵			
۴				۲			۱	۵
	۱			۳			۸	
		۷						۳
۲	۵	۳			۷	۴		

سخت

		۴		۵		۷		
۸			۷		۳		۵	
۵	۱		۹					
	۵		۱	۳				
	۳						۷	
				۲	۷		۳	
					۹		۱	۴
	۷		۲		۶			۹
		۵		۸		۶		

خیلی سخت

	۳				۴			
		۹	۵	۲		۷		
	۴			۱				
۶			۱				۳	
۹		۵				۴		۷
	۱				۲			۹
				۷			۶	
		۲		۶	۵	۸		
			۴				۵	

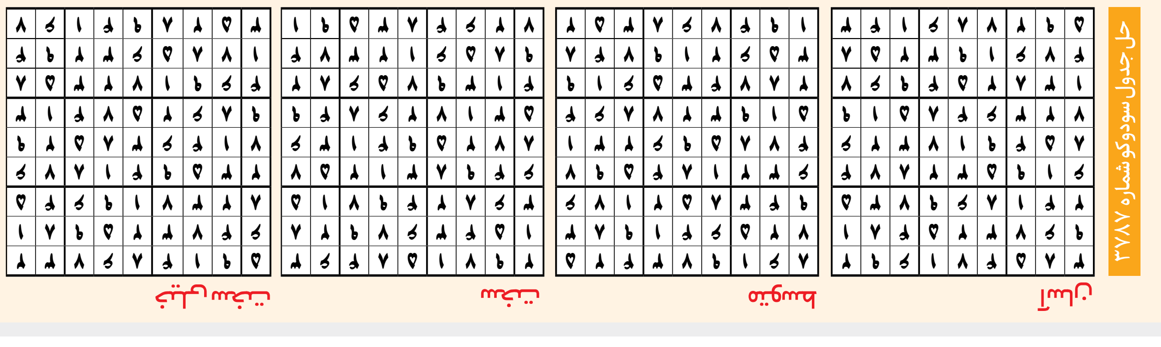

حل جدول سودوکو شماره ۳۷۸۷

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۷۵۶

جدول عادی

افقی:

۱- عدم اتفاق و اتحاد- برخوردار و کامیاب
۲- حقه- چند شریک- دودمانی تاریخی در ایران
۳- حوزه نگاه- فریاد شادی- سبزی سالادی
۴- مگر- پیچیدن- کج و مایل- مرکز «اتریش»
۵- عود- کجرو- موضوع هنری
۶- جمع نادر- خبرگزاری «ایتالیا»- نوعی رنگ مو
۷- امرارزدودن- پری و انباشتگی- محور
۸- سلاح ورزشی!- متحد- چراغ آویز
۹- خودپسندی است و از گناهان بزرگ- مرکز «لیختن اشتاین»- پایتخت «غنا»
۱۰- پهلوان- شیون- ساززهی و آرشه‌ای
۱۱- پرهیزکار- دراختیارگرفتن چیزی به‌ازای مبلغ- آوای گریه
۱۲- خسیس- افسوس خوردن- سکوی بالا- مددکننده
۱۳- گلی زینتی- ورقه آلومینیومی- آوازی در آخر افشاری
۱۴- نام «ضیغمی» بازیگر خانم- ساکت- هوس بانوی باردار
۱۵- اطراف- جانفشانی

عمودی:

۱- دانشی کهن و تخصصی- یار «بیل»
۲- شاعر و نویسنده ایرلندی با نام «اسکار»- هالتر کوچک!- نوردهنده
۳- کلام افسوس- پراکنده کننده- بسته‌شده
۴- جشن- قید شک و تردید- یادداشت- روییدن
۵- اسم دخترانه- دوستی- گندم
۶- هریک از اخلاط چهارگانه- روز بعد- رشته‌هایی از پوست یا ساقه گیاه
۷- رفیق مشهدی- گلی زیبا و زینتی- عینک نمی‌آموزد
۸- آلونک- مخفف نیکو- درواقع نوعی دوغ است
۹- حصار- ویراستار- ادعای باطل
۱۰- کتاب مانی- متحرک- مقابل «جزر»
۱۱- پوست آهو- باکتری دراز- بیسکویت سبک و ترد
۱۲- همان «هاگ» است- رمق- شیفته، شیدا- ضربه مشت از بغل در بوکس
۱۳- همسایه- عکسبرداری رایانه ای- قوم سرخپوست امریکای مرکزی
۱۴- نهی کننده- آقای انگلیسی- صاف
۱۵- ضمیر و باطن- کارگردان سریال در حال پخش «راز یک پرونده»

جدول ویژه

افقی:

۱- غذای کرمانی- شهرایالت «میشیگان»
۲- نام پسرانه- تخت- جمع ورق
۳- موافق و مناسب طبع- اصل و مایه- داستان کوتاه
۴- عضو پا- غوزه پنبه- واجب و لازم- دروازه
۵- سازی عرفانی- پارچه تن پوش آخرت- خروس آشوب طلب!
۶- نام «دکولو» ملی پوش بسکتبال فرانسه- قایق سبک- نام «مایر» گلر افسانه‌ای
۷- اثر «بیدل»- حلوای سنتی شیراز- درخشان
۸- بروشور- ماست چکیده- پادگان
۹- حیوان شیرده- آنزیمی که نشاسته را به مولکول‌های ساده تبدیل می‌کند- نام و نشان
۱۰- شادمان شدن- رایت- به پیشانی می‌بندند
۱۱- ورم- آزاد شدن- دویدن
۱۲- فلز صورت- واحد وزن- حرف ربط- لیست غذا
۱۳- پل پیروزی- اهداف- نام تجاری کلرید آمونیوم
۱۴- آلیاژی از آهن و نیکل- کوب- شگفت اختر
۱۵- از اندامک‌های درون یاخته جانوران- پادشاه کیانی

عمودی:

۱- فیلمی به کارگردانی «مهدی ودادی»- شیوه کار
۲- گیاهی از تیره گندمیان- سازنده پای افزار- روغن جلا
۳- تر و تازه- بزرگترین پیمان نظامی- از بزرگترین شرکت‌های تولیدکننده رایانه
۴- گوسفند قربانی- تیغ موکتبری- شهرارگ- مقعر
۵- جامعه‌شناس فرانسوی- نوعی قایق- رازیانه
۶- مفلوج- گیاهی باسه برگچه- شهروبندر «ترکیه»
۷- پف کردگی- سد آذری- نام «نیسون» بازیگر ایرلندی
۸- خشک- فریب- کله‌پز
۹- کلام افسوس- راهی که موجب گمراهی یا تباهی شود- نیم صدای ساعت
۱۰- چاشنی مسابقات ورزشی- امراززدودن- پیشوند فقدان
۱۱- حرف فاصله- شماره هریک از نامه‌های اداری- به زبان آوردن
۱۲- آزمایش- مرداب- از جنس فلز مادر- دوم شخص جمع
۱۳- متضاد «خروجی»- فضول برای هر آش می‌شود- بزرگترین هیولای تاریخ
۱۴- سرگرد سابق- توگوشی- افراطی
۱۵- جعل کردن- از سوفسطاییان یونان باستان

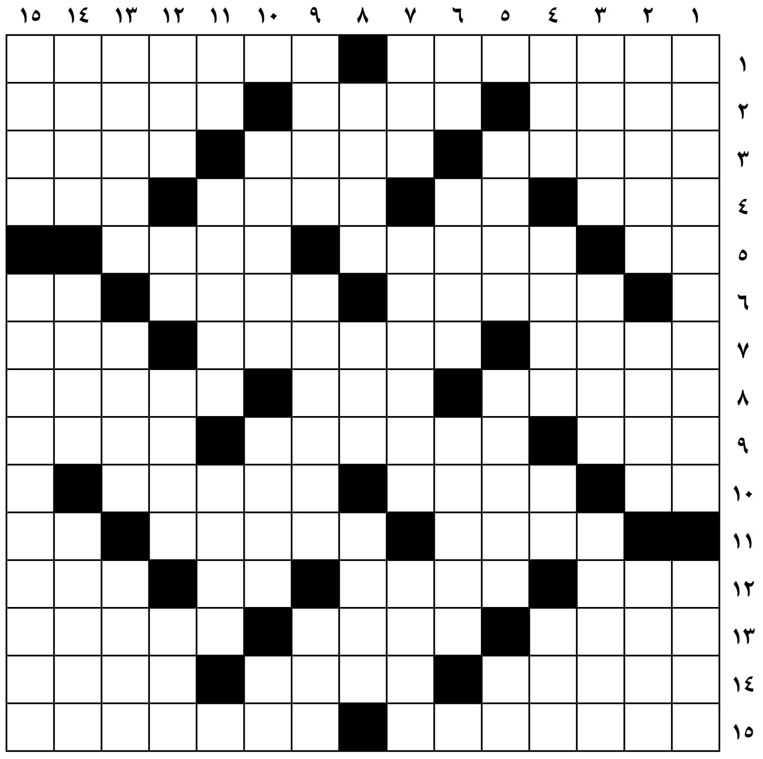

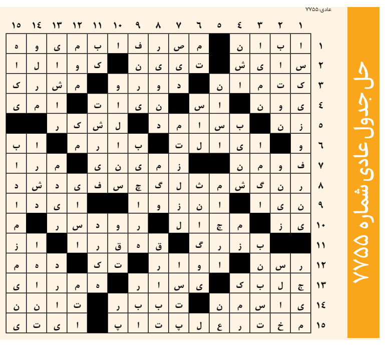

عادی:۷۷۵۵

حل جدول عادی شماره ۷۷۵۵

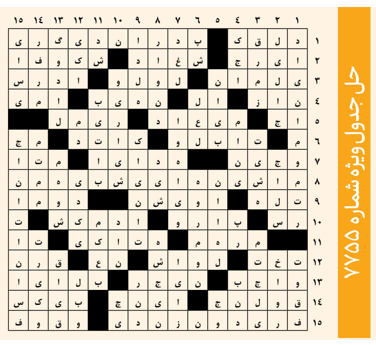

حل جدول ویژه شماره ۷۷۵۵